

# علی علیه السلام

## مولود کعبه و

## شهادت محراب

بمناسبت

۱۳ رجب،

روز ولادت

با سعادت

امیرالمؤمنین

علیه السلام.

علی، معجزه جاودانه خداوند

قلم را یارای نوشتن درباره علی نیست، زیرا هر شخصیتی با عظمتی از یک بعد و یا دو بعد ممتاز است ولی امیرالمؤمنین علیه السلام از هر جهت از کمالات بشری که ملاحظه شود در بالاترین قله کمال و در اوج رفعت و عظمت است، و هر صفحه از صفحات خصال والای انسانیت را ورق بزنیم، نام نامیش زینت بخش صدر هر صفحه است.

آری او انسان یک بعدی و چند بعدی نیست؛ او انسان همه بعدی است بلکه باید گفت: از هر دیدگاه کمالی بنگریم، او از حدود قدرت انسانها بالاتر و والاتر است و از این روی علی علیه السلام معجزه جاودانی و ابدی خداوند و استثنای طبیعت است که پیامبر بزرگ اسلام «صلی الله علیه وآله» درباره اش فرمود: «خدا را کسی شناخت بجز من و تو و مرا کسی شناخت بجز خدا و تو و تو را کسی شناخت بجز خدا و من». پس هر که بخواهد درباره آن حضرت بگوید یا بنویسد یا بسراید، اگر علامه دهر و سخنور زمان و قصیده سرای دوران باشد و با فصیحترین بیانات، منتهای سعی و کوشش خود را بکار برد، جز قطره ای از اقیانوس بیکران فضائل و کمالات وجود مقدسش را نمی تواند منعکس کند، چرا که پیامبر «ص» در باره اش فرمود: جز خدا و من تو را کسی نخواهد شناخت. پس اینجا دیگر کمیت قلم و زبان لنگ است و چاره ای جز تعظیم و سرفرود آوردن در برابر این انسان کامل و

معجزه الهی نمی ماند.

و همین اندازه بس که دوستان و محبان، فضائل و برتریهای او را از ترس طغوتهای زمان پنهان داشتند و دشمنان نه تنها فضائل او را از روی عداوت و حسد، مخفی کردند بلکه تا توانستند به دروغ و افتراء، تهمت های ناروا بر او بستند و خلاصه تمام ظالمان و طاغوتان و جنایت پیشگان، اصرار بر خاموش کردن این نور الهی داشتند، و با این حال، آنچه از فضائل او بدست ما رسیده، بحدی است که:

کتاب فضل و راز آب بحر کافی نیست که ترکتم سرانگشت و صفحه بشمارم هر شخصیتی که عظمتش مردم را مجذوب خود سازد، با گذشت زمان و آمدن نوابغ، آهسته آهسته چشم مردم به روشنائی او خو گرفته و از خیرگی بدر می آید ولی این چه نوری است که هر چه زمان می گذرد و هر چه شخصیت ها و نوابغ جهان در جهات مختلف ظاهر می شوند و بروز می کنند، او خیره کننده تر می شود و عظمتش بیش از پیش، بشریت را به کرنش وامی دارد. آری! او همانگونه که در زیارتش آمده است. آیت عظمای خداوند و جان و روان پیامبر «ص» و قرآن ناطق و امیر و سرور مؤمنان و مقتدا و الگوی عارفان است... او پدر امامان و برادر و یار و وفای پیامبر «ص» و وارث علوم انبیا و میزان اعمال و شمشیر بران ذوالجلال است... او صراط مستقیم و ستاره جهان افروز و حجت بالغه خدا و نعمت جاودان حق و نبأ عظیم است.

## کس را چه زور و زهره که وصف علی کند جبار در مناقب او گفته هل اتی گوشه ای از زندگانی علی «ع»

ولادت با سعادتش در روز جمعه سیزدهم رجب در سال ۳۰ عام الفیل (۶۰۰ میلادی)، سی سال پس از ولادت پربرکت پیامبر بزرگ اسلام «ص» در خانه کعبه، به وقوع پیوسته است. و با این ولادت با سعادت، ماه رجب دارای قدسیت و شرافت ویژه ای گشت همچنانکه ماه رمضان با اینکه ماه خدا است، از شهادت علی «ع» رنگ و رونق تازه ای به خود گرفت. و کعبه معظمه نیز که خانه خدا و مقدس ترین مکان است، از یمن مقدمش عظمت و جلالتش افزون گشت همچنانکه محراب از خون گلگون او، آبهت و شوکت دیگری یافت.

مولی محمد مظاهر قومی گوید:

دلیل رفعت شأن علی اگر خواهی به این کلام دمی گوش خوب شن می دار  
چو خواست مادرش از بهر زادنش جانی درون خانه خاصش بداد جا جبار  
پس آن مطهره با احترام داخل شد در آن مقام مقدس، بزاد مریم وار  
برون چو خواست که آید پس از چهارم روز ندا شنید که نامش برو علی بگذار  
فدای نام چنین زاده ای بود جانم چنین امام گریند یا اولی الابصار  
در کودکی پیامبر گرامی «ص» وی را بخانه خود برد تا او را  
به تربیت خاص الهی پرورش دهد. خود فرماید:

«وقد علمتم موضعی من رسول الله - صلی الله علیه و آله - بالقرابة القريبة، والمنزلة الخصیصة، وضعنی فی حجره وأنا ولید، یمسني الی صدره، ویکتفی فی فراشه، ویمسني جسده، ویسئنی حرقة، وکان یمضغ الشيء ثم یلقمینیه وما وجدلی کذباً فی قول، ولا حظلة فی فعل»<sup>۱</sup>

و همانا شما می دانید قدر و منزلت مرا از پیامبر خدا «ص» به سبب خویشاوندی نزدیک، و مقام والا و احترام ویژه ای که نزد آن حضرت داشتم. هنگامی که من کودک بودم، او مرا در کنار خود پرورش داد و همواره مرا به سینه اش می چسباندید و در بسترش در آغوش می گرفت و بدنش را به من می مالید و بوی خوش خویش را به من می بویانید و او گاهی خوراکی را می جوید و در دهان من می گذاشت و هیچگاه از من دروغی در گفتار و اشتباهی در کردار نیافت.

علی «ع» نخستین کسی از مردان بود که به پیامبر ایمان آورد و با او نماز گذارد. البته این بحسب ظاهر بود و گرنه علی را سرتاپا ایمان فرا گرفته بود، او با ایمان چشم به دنیا گشود و با همین ایمان و اخلاص از جهان چشم بریست. عباس عقاد نویسنده بزرگ مصری درباره اش گوید: او نه تنها در سراسر عمرش برای بنی سجده نکرد بلکه او مسلمان زاده شد.

علی «ع» از کودکی، حامی و پشتیبان پیامبر بود و در همه سختی ها و محنت ها و ناگواریها و حوادث دردناک دوران مکه، یار و یاور رسول خدا «ص» بود و در شب هجرت این ایثار و از خود گذشتگی را به اوج رسانید که در بستر رسول خدا «ص» آرامید و جان عزیز خود را در معرض شمشیر ترورستهای مشرک مکه قرار داد تا پیامبر سلامت، مکه را ترک گوید و در این باره آیه نازل شد: «ومن الناس من یسری نفسه ابتغاء مرضات الله...»<sup>۲</sup> از جمله مردمان، کسی است که جان خویش را برای بدست آوردن خشنودی خدا می فروشد.

در مدت ده سال که با رسول خدا «ص» در مدینه بود، کم کم مردم پی به مقام والا و شخصیت استثنائی و با عظمتش بردند که پیغمبر خدا توانست قدری پرده را بالا ببرد و او را به مردم - در حد فهمشان - بشناساند و روایات بسیاری درباره فضائل و مناقب آن حضرت، از بیانات پیغمبر گرامی اسلام، عاقله و خاصه نقل کرده اند که اکثر آنها معروف و مشهور و زبانزد عموم مسلمانان است. و سرانجام در حجة الوداع - آخرین حج پیامبر - هنگام بازگشت از مکه، در میان راه، کنار غدیر خم، به موجب امر الهی که فرمود: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وان لم تفعل فما بلغت رسالته»<sup>۳</sup> - ای پیامبر! آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده، به مردم ابلاغ کن و اگر نکنی پیام خدا را نرسانده ای! رسول خدا، آن حضرت را به ولایت مؤمنین منصوب فرمود و همه مسلمانان، مأموریت یافتند با او بیعت نموده و او را ولی امر خود دانند.

پس از رحلت پیامبر اکرم «ص» با اینکه بحکم ضرورت و برای نگهداری اصل اسلام و وحدت مسلمین حضرتش مدت زیادی خانه نشین شده بود ولی همچنان در مواقع حساس به یاری دین خدا می شتافت تا آنجا که گفته شد: خداوند مشکلی را

نیارود که ابوالحسن در آنجا حاضر نباشد.

او پناهگاه و پشتوانه محکم اسلام بود. و خدا می داند اگر در آن دوران، حضرت وجود نداشت، چه بر سر احکام و تعالیم عالیة اسلام می آمد، با آن فقهای اسرائیلی که خود را در میان مسلمانان جازده بلکه در درون دربار رخنه کرده بودند مانند کعب الاحبار و وهب بن منبه. تا آنگاه که مردم از آن همه نابسامانی و نااهم‌هنگی دین با قدرت سیاسی روز پستوه آمده و به حضرت پناه بردند و بیعت غدیر را که به فراموشی سپرده شده بود، دوباره تجدید نمودند و آن در سال ۳۴ هجری قمری بود.

مدت امامت آن حضرت سی سال بود و مدت خلافت ظاهریش ۵ سال و ۶ ماه. حضرت در این مدت ۵ سال با سه فرقه گمراه و گمراه کننده به مبارزه برخاست. پیامبر «ص» به او فرموده بود: من بر تنزیل قرآن جهاد می کنم و تو بر تأویلش.

آری! اینان می خواستند قرآن را به دلخواه خویش تفسیر کنند و دین خدا را در خدمت اهواء و شهوتهای خود در آورند و به نام دین، مردم را استثمار نموده و از دسترنج دیگران کاسخا بسازند و از اینکه علی «ع» کسی نبود که از یک درهم مال مسلمین چشم پوشی نموده و آن را درغیر راهش خرج کند و این مصلحت بینی های فرمانروایان و امیران را وقتی نمی نهاد، لذا همگی با او به دشمنی و ستیز برخاستند.

اشراف قریش که هنوز مستی جاهلیت در سر داشتند به سرکردگی طلحه و زبیر فرقه ناکشین و عهد شکنان را تشکیل دادند و حضرت، آنان را سرکوب نمود ولی این فتنه گرچه در ظاهر پایان یافت، راه را برای قاسطین و تجاوزگران که اصل اسلام را از ترس پذیرفته بودند، باز نمود. آنان که سر دسته شان معاویه و عمرو عاص بودند، جرأت این را بخود نمی دادند که باعلی، خلیفه مسلمین که مهاجرین و انصار بناوی بیعت کرده اند، بجنگ برخیزند، خروج ناکشین و بیعت شکنان با بودن طلحه و زبیر و عایشه در میان آنها، راه را برای جنایت و تجاوز معاویه باز نمود.

و در هنگام جنگ با معاویه، منافقین در صفوف لشکر حق ایجاد شکاف نمودند و فرقه ای دیگر که «مارقین» و خارجین از دین نامیده می شوند، در همان گیرودار پی ریزی شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را نیز سرکوب نمود ولی آن نابخردان تروریست، جنایتکاری را به نام ابن ملجم مرادی برانگیختند تا آن حضرت را به خونخواهی سران جانی و بی رحم و آدمکش خود شهید نماید و آن شقی بدبخت، دست به چنین جنایت هولناکی زد و در نوزدهم ماه رمضان در محراب عبادت مسجد کوفه، پدر مهربان امت و سرور مؤمنان را به شهادت رسانید. و در آن هنگام که خاک محراب مسجد به خون مقدسش آغشته شد ناگاه به یاد زادگاه مقدسش افتاد و فرمود:

«فزت ورب الکعبه»: به خدای کعبه رستگار شدم.

در کعبه شد پدید و به محراب شد شهید نازم به حسن مطلع و حسن ختام او در خاتمه قصیده ای بجالب و شیوا از اقبال لاهوری در ستایش آن حضرت نقل می کنیم:

مسلم اول شه مردان علی	عشق را سرمایه ایمان علی
از ولای دودمانش زنده ام	در جهان مثل گهر نابنده ام
زرم ارجوشد ز خاک من از اوست	می اگر ریزد ز خاک من از اوست
خاکم و از مهر او آینه ام	می توان دیدن نوا در سینه ام
از رخ او فال، پیغمبر گرفت	ملت حق از شکوهش فر گرفت
قوت دین مبین فرموده اش	کائنات آئین پذیر از دوده اش
مرسل حق کرد ناهش بوترباب	حق یدالله خواند درام الکتاب
هر که دانای رموز زند گیت	سراسمای علی داند که چیست
خاک ناریکی که نام او تن است	عقل از بی داد او در شیون است
شیر حق این خاک را تسخیر کرد	این گیل تاریک را اکسیر کرد
مرتضی کربیع او حق روشن است	بوترباب از فتح اقلیم تن است
مرد کشور گیر از کزاری است	گوهرش را آبرو خودداری است
هر که در آفاق گردد بوترباب	باز گرداند ز مغرب آفتاب
زیر پاش اینجا شکوه خیر است	دست او آنجا قسیم کوثر است
از خود آگاهی یداللهی کند	از یداللهی شهنشاهی کند
ذات او دروازه شهر علوم	زیر فرمانش حجاز و چین و روم
حکمران باید شدن بر خاک خویش	تاقی روشن خوری از تاک خویش

در پایان، فرارسیدن این روز فرخنده و عید سعید را به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه، جانشین علی «ع» و امام خمینی، فرزند رشید علی «ع»

بقیه در صفحه ۴۳

## بقیه از

## و هنرمند های علی علیه السلام

و در خطبه ۲۱۱ از نهج البلاغه، به یاراتش چنین می فرماید:

«خداوند از شما می خواهد، نعمتهایش را سپاسگزار باشید، زیرا امر خود را (که وراثت زمین باشد) برای شما باقی گذاشته، و در میدان گسترده مسابقه دنیا شما را مهلت داده تا برای بدست آوردن جوگان از یکدیگر پیشی بگیرید، پس بندهای جامه خود را محکم ببندید و زیادی زیر پهلویها را تاگرده خود در هم پیچید (از خوردن و آشامیدن بسیار خودداری ورزید و خود را بیشتر آماده کارزار نمائید) چرا که اقدام درکار با مهمانی و سوز جراتی جمع نمی شود. و جقدر خواب و آسوده خیالی، تصمیمهای روز را از بسین می برد و تباه می سازد! و جقدر تاریکیها، همتای والا را از یاد می برد!».

و در یازدهمین سخن از نهج البلاغه بفرزندش محمد بن حنفیه هنگامیکه پرچم را در جنگ جمل بدستش سپرد، چنین فرمود:

«کوه ها از جا کنده می شوند ولی تو از جایت حرکت نکن. در کارزار، دندان روی دندان فشار. کاسه سرت را به خدا سپار و پای خود را در زمین مانند میخ بکوب. با دیده هایت تا انتهای لشکر را یا دقت بین (تا همه دشمنان را از پا در نیاورده ای، آسوده مباش) و چشم خود را (از سلاحهای دشمن) بیوشان (آن همه تجهیزات و سلاحهای گوناگون را نادیده بگیر) و مطمئن باش که پیروزی تنها از جانب خداوند سبحان می آید».

و از سفارشهای آن حضرت به معقل بن قیس ریاحی هنگامی که او را با لشکری مجهز به سوی شام فرستاد و او فرمانده ارتشیان آن حضرت بود، چنین می فرماید:

«تقوا را پیشه کن و از خدائی که تا چاره ملاقات با او هستی و جز او سرو کارت با کسی نیست، بترس و جنگ مکن مگر با کسی که با توبه جنگ برداخته است و در بامداد و آخر روز (عصر) که هوا خنک است راه رفتن (به سوی جنگ) را طمی کن و در میان روز (که هوا گرم است) مردم (ارتشیان) را (برای استراحت) بازدار و در راه رفتن شتاب مکن و اول شب راهیمانی مکن زیرا خداوند آن را برای استراحت و آرامش قرار داده نه کوچ کردن، پس در آن وقت، بدنت و مرکب سواریت را آسوده گذار، و هنگامی که سحرگاهان ظاهر شود و بگاه آشکار گردد، با لطف خدا (و توکل بر او) سیرکن و هرگاه با دشمن روبرو شدی در میان سپاهیان بایست... و باید پیش از جنگ حجت را بر آنان تمام کنی و نباید برای کینه جوئی با آنها به جنگ بپردازید (زیرا جنگ باید برای خدا باشد نه برای هوای نفس)».

و درباره شرایط فرمانده نظامی، در عهدنامه اش به مالک اشتر،

چنین می فرماید:

«و باید برگزیده ترین سران سپاهت کسی باشد که با لشکریان خود در هر نوع کمکی که به او می شود، موااسات و برابری داشته باشد و از توانائی خود به آنها احسان کند به آن اندازه که هم خود و هم خانواده هاشان در آسایش و آرامش باشند، تا اینکه در جهاد با دشمنان، بکند و یک فکر گردند، زیرا مهربانی و احسان توبه ایشان، دلهای آنها را به توفیق می سازد...».

و در خطبه ۲۶، یک جمله کوتاه و بسیار ارجحند دارد که به

تنهایی رزمندگان عزیز ما را بس است:

«برای جنگ آماده شوید و تجهیزات و ابزار جنگی را فراهم سازید که شعله کارزار افروخته شده و آتش آن اوج گرفته است. و در جنگ، صبر و شکیانی را شعار خود قرار دهید که بهترین راه دست یابی به فتح و پیروزی، شکیانی و بآبادی است».

به امید پیروزی هر چه سریعتر رزمندگان اسلام و نابودی دشمنان و حامیانشان.

### بقیه از استبانه ای از قرآن

مادیکراییان و دنیا پرستان آنرا دور می بینند ولی از نظر خداوند نزدیک است، گذشته از اینکه مؤمنین، پیروزی را نه تنها در غلبه مادی می بینند، بلکه همین سر بلندی، عزت، افتخار، صدور انقلاب به سایر مناطق جهان و ذلت و خواری دشمنان و از همه بالاتر، رسیدن به مقام والای شهادت که هیچ مقامی بالاتر از آن نیست، تمام این ها پیروزی اسلام است و رزمندگان ما پیروزی را برای خود نمی خواهند که برای دین خدا می خواهند و از بسین روی، در هر حال پیروز هستند. به امید اینکه به پیروزی ظاهری نیز هر چه زود تر نائل شوند. ان شاء الله.

بقیه از علی (ع) مولود کعبه...

و مردم مسلمان ایران، پیروان و محبان علی «ع» و یاران علی در تمام اعصار و امصار و به همه شما پاسداران اسلام و قرآن تبریک و تهنیت می گوئیم امیدواریم به میمنت این روز مقدس، رزمندگان عزیزمان که در راه خدای علی با دشمنان علی می جنگند، شهد شیرین پیروزی را، بحق علی و آل علی، بجشنند، و به زیارت و عتبه بوسی بارگاه علی علیه السلام به زودی زود موفق گردند. ما هم موفق شویم ان شاء الله.

۱- نهج البلاغه - صبحی الصالح، خطبه ۱۹۲

۲- سوره بقره - آیه ۲۰۶ - ۳- سوره مائده - آیه ۶۷